

کتابخانه

● مجموعه شعر «عاشقانه فراموش ات می‌کنم» سروده رویا زاهدنیا توسط انتشارات بلم منتشر شد. زاهدنیا متولد ۱۳۶۰ در لوندویل آستانر، فارغ‌التحصیل حقوق است و هم‌اکنون در قشم زندگی می‌کند. انتشارات بلم پیشتر کتاب «گامبی» سروده محسن حامدرا منتشر کرده بود و هم‌اکنون چند کتاب دیگر از شاعرانی چون محمودرضا پژم، داوود ملک‌زاده و شهرام پوررستم‌راد دست‌انثشار دارد. ▣

● ترجمه عربی ۱۴ داستان از ۱۴ نویسنده ایرانی با عنوان «مرثیه‌الهیواء» (مرثیه باد) در عراق منتشر شده‌است. این کتاب با ترجمه حسین طریفی و مقدمه‌ای از کیهان خانجانی با عنوان «داستان کوتاه جهان بی‌داستان کوتاه ایران ناقص است» در انتشارات «شهریار» عراق انتشار یافته‌است. ▣

● «هتل کله‌پوک‌ها» عنوان یک مجموعه دو جلدی با موضوع داستان‌های طنزآمیز فارسی است که به‌تازگی انتشارات سروش برای گروه سنی «ب‌وج» راهی بازار کتاب کرده‌است.

● رمان تاریخی «شبیبه مریم»، شرحی از زندگی قُصّه، از «نوبیه» آفریقا تا اسارت و ملازمتی حضرت زهرا(س) به‌قلم اکرم صادقی در انتشارات کتاب‌چمرکان منتشر شد. ▣

روی خط سینما

● پنجاه‌وهشتمین دوره «جشنواره فیلم نیویورک» با نمایش آثار فیلمسازان نوظهور و شناخته‌شده از ۱۹ کشور جهان به صورت ترکیبی از رویدادهای حضوری و مجازی برگزار می‌شود. این جشنواره با فیلم لاورز راک از استیو مک‌کوئین، فیلمساز بریتانیایی افتتاح می‌شود. سرزمین خانه‌نشینان ساخته کلونی ژانو اثر محوری این رویداد است و با خروج فرانسوی از آژائل جیکوبز نیز به‌کار آن پایان خواهد داد. از دیگر فیلم‌هایی که در بخش اصلی جشنواره نمایش داده می‌شود، می‌توان به منگراو و سرخ، سفید، آبی از مجموعه تبر کوچک به کارگردانی مک‌کوئین، زنی که گریخت از هونگ سانگ‌سو از کره جنوبی و شب پادشاهان به‌کارگردانی فیلیپ لاکوت از ساحل عاج اشاره کرد. ▣

● شرکت ای‌ام‌سی تیه‌ترز، از مهم‌ترین زنجیره‌های سینمایی آمریکا قصد دارد با فروش بلیت ۱۵۰ سنتی مردم رایه سینماها بکشانند. این شرکت که به‌تازگی وباشیوع ویروس کرونا یکی از بدترین دوره‌های تاریخ صد ساله خود را تحمل کرده، حالا به مدت یک روز، قیمت بلیت ۱۰۰ سینمای تحت‌مالکیت خود را (استناد اعلام کرده‌است. ▣

روی خط خبر

● شهرام ناظری، رضایزدانی، سالار عقیلی، علیرضا قربانی، سیروان خسروی، کاوه یغمایی و فرزاد فریزین به‌عنوان نامزدهای بهترین ترانه‌تیزتراز فیلم باسرایل بیستمین جشن دنیای تصویر (جشن حافظ) معرفی شدند. «آخرین داستان»، «از یادها رفته»، «برادر جان»، «سروکوب»، «جای من نیستی» و «مانکن» به ترتیب قطعات خوانده شده توسط این هنرمندان است. ▣

● «اینکه ۱۵ سال از انتشار نخستین جلد از مجموعه‌کتاب‌های «گرگ‌ومیش» اثر «استغنی میر» می‌گذرد، جدیدترین اثر این مجموعه که اخیرا با عنوان «خورشید نیمه‌شب» به چاپ رسید، با استقبال چشمگیر مخاطبان مواجه شد و ظرف یک هفته بیش از یک میلیون نسخه از فرمت‌های مختلف این کتاب در آمریکای شمالی به فروش رفت. این کتاب که داستان «گرگ‌ومیش» را (این بار از زبان «ادوارد کالن») روایت می‌کند، در بریتانیا نیز مورد توجه قرار گرفت. ▣

● شان پن به‌زودی در ادامه تلاش‌های خود برای مقابله با کووید-۱۹ مجری یک جلسه فیلمنامه‌خوانی مجازی پرستاره از فیلم کلاسیک سال ۱۹۸۲ خود یعنی «اوقات خوش در ریجمونت‌های» خواهد بود. این رخداد بیستم‌اگوست از فیس‌بوک لایو و تیک‌تاک بخش می‌شود و منافع کسب‌شده آن صرف کمک‌اورژانسی در مقابله با کووید-۱۹ خواهد شد. ▣

● امسال مراسم جایزه ادبیات نمایشی «محمود استادمحمد» به دلیل شرایط و وضع کرونایی موجود در جامعه برگزار نمی‌شود. هر سال در آبان‌ماه و هم‌زمان با سالروز تولد این هنرمند مراسم جایزه ادبیات نمایشی بنیاد محموداستاد محمد برگزار می‌شد. ▣

● آلبوم «به یاد دوست» با هنرمندی درویش رضامنظمی از استادان و پژوهشگران معتبر موسیقی ایرانی توسط مرکز موسیقی حوزه هنری در دسترس مخاطبان قرار گرفت. در این آلبوم که در «شور»، «افشاری» و «سه‌گانه» منتشر شده‌است، درویش رضامنظمی نوازنده ویولن، شهرام منظمی نوازنده تمبک، علیرضا خدامرادی طراح و سروش بخشش مدیر تولید عوامل اجرایی را تشکیل می‌دهند. ▣

● اولین دوره کنسرت‌های آنلاین موسیقی نواحی که بر موسیقی نواحی تمرکز دارد، از پنجشنبه بیست‌وسوم مردادماه در بازار بزرگ ایران افتتاح شد و دو گروه موسیقی نواحی از سیستان ویلوچستان و بوشهر موسیقی اجرا کردند. این برنامه تا بیست‌وششم مردادماه با اجرای گروه‌هایی از لرستان، کرمانشاه، شرق خراسان، خوزستان، شمال خراسان و آذربایجان ادامه خواهد داشت. ▣

● کمپانی «اپین وی پروداکشنز» که به لئوناردو دی کاپریو تعلق دارد از طریق عقد قرارداد همکاری با «سونی پیکچرز» برای این کمپانی محصولات سینمایی و تلویزیونی تهیه می‌کند. دی کاپریو که با بازی در فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» با این کمپانی همکاری کرده بود، به این ترتیب همکاری خود را با آن ادامه می‌دهد. ▣

دیالوگ

محمود عزیزی، کارگردان تئاتر و بازیگر: «سرمایه‌های بزرگی به‌عنوان دانش آموختگان هنرهای نمایشی داریم که اگر هر جای دیگری بودند، از آنها بهره برده‌می‌شد. درست‌است که به اندازه کافی سالن نداریم یا شاید وضع مالی عموم مردم مصرف‌کننده کالای فرهنگی و هنری به گونه‌ای نباشد که بتوانند حتی تا یک سالن تئاتر پیاپی بیایند و در سیداوقات فراغت آنها اصلا تئاتر یا خرید کتاب نیست، اما بررسی همه اینها نشان می‌دهد ما یک جاهایی خلأهای عمیقی داریم که می‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد. با این حال چشم‌انداز روشنی را برای سینما و تئاتر نمی‌بینم.» ▣

علی‌درافشان، نوازنده دوتار: «این روزها تدریس موسیقی انجام می‌دهم و هنرجویان بیشتر به صورت حضوری آموزش می‌بینند، به عده کمی از هنرجویان نیز به صورت آنلاین آموزش می‌دهم، اما متأسفانه تدریس در شرایط موجود خیلی رضایت‌بخش نیست. البته جوانان بیشتر به سمت ساز و آواز روی آورده‌اند، اما به آنها یاد داده نمی‌شود. شرایط بسیار نگران‌کننده‌است، ما از زمانی که ویروس کرونا وارد کشور شد تاکنون هیچ اجرایی نداشته‌یم.» ▣

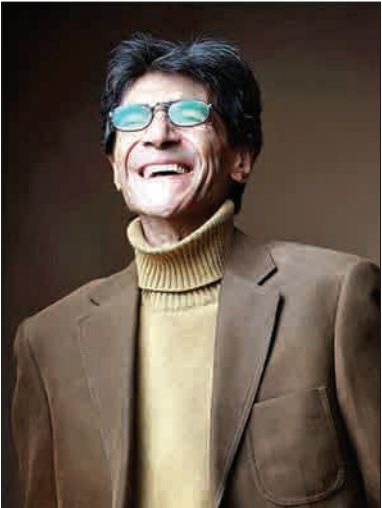
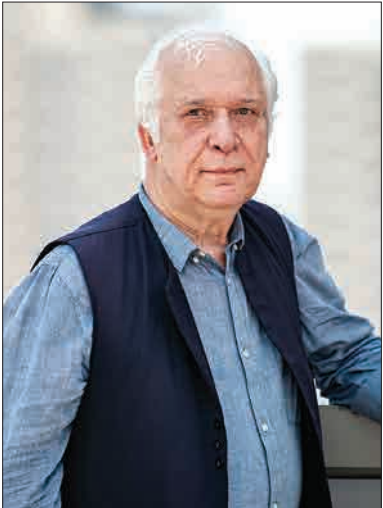
تنها دونلی نواز ایران در بستر بیماری

شیرمحمد اسپندار، تنها دونلی نواز ایران که در آستانه نود سالگی به سر می‌برد، این روزها همچنان در بستر بیماری است. ▣

شیرمحمد اسپندار درباره او به ایستنا گفت: «از حدود دو سال پیش به علت مشکلات بینایی و داخلی و کهولت سن در بستر بیماری و تحت درمان است.

چند وقتی هم در بیمارستان بستری بود، ولی به علت مشکلات و شرایطی که جامعه به علت ویروس کرونا با آن درگیر است، ترجیح دادیم در منزل او مراقبت کنیم.» او درباره فعالیت موسیقی سال‌های اخیر پدرش توضیح داد: «پدر در سال‌های اخیر بیمار بوده و توانایی فعالیت موسیقی نداشت، ولی تا چند سال پیش کسانی که علاقه داشتند نزد پدر می‌آمدند و با او برنامه اجرامی کردند، اما اینکه بخواد به خارج از شهر یا کشور برای برگزاری کنسرت برود، از لحاظ جسمانی امکانش وجود نداشته‌است.»

شیرمحمد اسپندار پیش از این موفق به کسب دکتری افتخاری موسیقی سنتی از کشور فرانسه شده و تنها کسی است که می‌تواند ساز «دونلی» را بنوازد. دونلی نواز در واقع توانایی این را دارد که هم‌زمان دو نی را در دهان بگذارد و بنوازد. این ساز، ساز محلی منطقه سیستان است و شیرمحمد اسپندار هم با نگاه‌کردن از روی دست یک نفر دیگر، نواختن این ساز را یاد گرفته‌است. ▣



«شهروند» بررسی می‌کند ناصر تقوایی، خسرو سینایی، بهرام بیضایی و بسیاری دیگر چرا جایی در سینما امروز ایران ندارند؟

سینمای ما، بین اقتصاد آزاد و دولتی سرگردان است

▣ **پولاد امین** | چرا یک نسلی از سینماگران ما خانه‌نشین شده‌اند؟ بیضایی جلای وطن کرده، تقوایی دیگر فیلم نمی‌سازد و… گروهی محدود در سینما حضور دارند. برخی فقط با رانت فیلم می‌سازند و نتیجه‌اش همین است که در سینمای این سال‌ها می‌بینیم. درد دل‌های مسعود جعفری جوزانی آینه سینمای امروز ماست؛ داستانی که چندین سال است تکرار می‌شود و نتیجه‌اش بیماری اغلب سینماگران فرهنگی این سرزمین است؛ اتفاقی تلخ که امروز پس از درگذشت خسرو سینایی یک بار دیگر مطرح شده و نگاه‌ها را متوجه این موضوع کرده که چرا سینماگران توانمند و قَدر در این سینما تاب نمی‌آورند و میدان را یک‌سره می‌سپارند؟

بعد از درگذشت خسرو سینایی، برخی مسئولان و تهیه‌کنندگان خصوصی با این اتهام مواجه شدند که چرا امکان ادامه کار برای سینایی و دیگر فیلمسازان متفاوت و فرهنگی فراهم نیآورده و از محو شدن تدریجی آنها در روند روبه افول سینمای امروز ایران جلوگیری نکرده‌اند. صحبت‌های اخیر برادر ناصر تقوایی- که از بیکاری برادرش نوشته بود- بحث را وارد سطحی دیگر کرده‌است؛ موضعی مثل گلایه‌های بهرام بیضایی که همین چند وقت پیش گفته بود: «اگر بخواهید خط‌سری در کارنامه من پیدا کنید، وقفه‌هایی که در کار افتاده جلوی این خط سیر طبیعی را گرفته و شما متوجه این نیز باید فکر کنید که گرمی توانستم مرتب فیلم بسازم، الان کجا بودم؟ یا واروژ کریم مسیحی اگر «بین پرده آخر» و «تردید» دو دهه فاصله نیتاده بود چقدر جلوتر از الان بود؟ جامعه سینما و تماشاگر هم قدمی پیشتر بودند. تقوایی الان سال‌هاست فیلم نساخته، چطوری است که برای هر چیز پیش پا افتاده‌ای امکانات فراهم است ولی برای اینها امکاناتی فراهم نمی‌شود؟»

فاکتور حیاتی

در این بین عده‌ای نیز هستند که کم‌کاری فیلمسازان متفاوت و فرهنگی را با توجه به روند استقبال مردم از آثار متاخرشان اتفاقی طبیعی می‌دانند و آن را نتیجه و برآیند فعالیت‌های این فیلمسازان و استقبال نکردن مردم از آثارشان عنوان می‌کنند. خسرو دهقان، منتقد، در این زمینه می‌گوید که اگرچه صرفا با فاکتورهای اقتصادی نمی‌توان کلیت کارنامه سینماگر را ارزیابی کرد، اما به‌هرحال اقتصاد هم فاکتور مهمی در سنجش موفقیت سینماگر است؛ «فروش فیلم فاکتور مهمی است و این نه فقط در ایران که در تمام دنیا هم صادق است. به‌خصوص که منظور از فروش در چنین بحث‌هایی تنها معنای اقتصادی ندارد و گستره وسیع‌تری به نام اقبال تماشاگر و بیشتر دیده شدن را شامل می‌شود. در حقیقت فروش هم یک بحث مالی است- که تهیه‌کننده به سرمایه‌اش برسد- هم جنبه دیگری دارد که ناظر بر این است که تعداد بیشتری از مردم به تماشای فیلم بنشینند.»

صرفه اقتصادی

در بحث‌هایی مانند بیکاری بیست‌ساله ناصر تقوایی یا در محاق ماندن پروژه‌های رویایی خسرو سینایی و بزرگان دیگر، بسیاری از اوقات این توجیه مطرح شده که چون این افراد فیلم‌هایشان صرفه اقتصادی ندارد، از چرخه تولید بیرون مانده‌اند. در واقع برخی از این افراد با این اتهام مواجهند که با سواسی که در کار دارند، روند تولید آثارشان طولانی و پرهزینه می‌شود. عده‌ای دیگر نیز متهم‌اند که صرفاً آثار نخیه‌پسند تولید می‌کنند و این هم خود باعث می‌شود دایره مخاطبان‌شان کوچک شود. اما از نگاه خسرو دهقان، همه چیز در این بحث ناظر به بازگشت سرمایه نیست و اگر شمار بینندگان فیلم‌های ناصر تقوایی یا زنده‌یاد خسرو سینایی را در طول زمان حساب کنیم، آثارشان به‌صرفه جلوه می‌کند. به‌هرحال تقوایی چند فیلم پر فروش و البته چند فیلم به‌شدت پر مخاطب دارد که از جمله پرتماشگرترین آثار تمام سال‌های سینمای ایران هستند؛ بیضایی نیز. با این توضیح که فیلم‌هایی مانند «سگ‌کشی»، «شاید وقتی دیگر» و حتی «مسافران» در گیشه هم پر فروش بوده‌اند. در مورد خسرو سینایی هم کتمان نمی‌توان کرد که «عروس آتش» و «هیولای درون» از جمله دیده‌شده‌ترین فیلم‌های سینمای ایران هستند و هزاران وعده نمایش «مرثیه سوخته» در انواع و اقسام فستیوال‌ها و تلویزیون‌ها هم آن را اثری به‌شدت پر مخاطب و به‌صرفه جلوه می‌دهد. خسرو دهقان می‌گوید: «این بحثی که فروش فیلم مهم است، تماشاگر مهم است، اقبال مخاطب مهم است. فی‌نفسه بحث اشتباهی نیست. اما بزرگانی که این مسائل درباره‌شان مطرح می‌شود، اتفاقاً فیلمسازان کم‌تماشاگری نیستند. بله، ناصر تقوایی فیلم کم‌فروش هم داشته، اما من حداقل چند فیلم پر فروش هم از او به یاد دارم؛ مثلاً به یاد دارم «ناخدا خورشید» خوب فروخت و حتی فیلم «کاغذ بی‌خط، یاد نظر دیده‌شدن و شمار تماشاگران هم «ای ایران»، «ناخدا خورشید» و «کاغذ بی‌خط» در گذر زمان خوب دیده‌شده‌اند و بحث‌های زیادی هم به‌وجود آورده‌اند. بگذریم از «دایی جان ناپلئون» که یکی از دیده‌شده‌ترین سریال‌های تاریخ تلویزیون ایران است.»

راه حل اروپایی

این روزها عده‌ای بدون توجه و مذاقه در مفهوم اقتصاد آزاد از حمایت‌های دولتی برای تولید فیلم‌های فرهنگی به‌شدت انتقاد می‌کنند. این گروه با نگاهی رادیکال به اقتصاد آزاد ذات سینما را در مفهوم عرضه و تقاضا خلاصه می‌کنند و بر این باورند که حمایت از فیلمساز فرهنگی که در روند طبیعی بازار نتواند به فعالیتش ادامه دهد، منطقی و عاقلانه نیست. این درحالی است که در اقتصادهای واقعاً آزاد هم حمایت از آثار فرهنگی، اصلی پذیرفته شده‌است و حتی در دل سینمای هالیوود هم فیلمسازانی داریم که تنها با به‌ذات فرهنگی فیلم‌هایشان امکان ادامه حیات دارند. در اروپا البته این امروز بیشتری دارد و یکی از وظایف دولت و شهرداری‌ها حمایت از تولید آثار هنری غیر تجاری است. مثلاً در فرانسه

ذات سینما

«ذات سینما این است و بی‌رحمی در ذات سینماست. سینما شعر و شاعری نیست که نیاز به یک قلم و چند برگ کاغذ و خلوتی داشته باشد و تمام. سینما هزینه دارد و امروز حداقل ۳ میلیون تومان برای ساخت هر فیلمی نیاز است. این وجه صنعتی به هر حال مشکلات خودش را هم دارد و همین هم هست که سال به‌سال با بی‌رحمی‌های این صنعت آشناتر می‌شویم.» اما حرف آخر خسرو دهقان: «باید بخش خصوصی را تقویت کرد تا تمام سینمای ایران دولتی نباشد. این می‌تواند بخشی از مشکلات را هم حل کند و حداقل اینکه در کاهش برخورد‌های سلیقه‌ای و دیدگاهی و باندی و حزبی موثر است. البته این را می‌دانیم که هیچ مشکلی را نمی‌توان یک‌شبه حل کرد، اما کارهایی چون تقویت بخش خصوصی می‌تواند روزنه‌ای ایجاد کند برای نفس کشیدن سینمای ایران.» ▣

^[1] پولاد امین | چرا یک نسلی از سینماگران ما خانه‌نشین شده‌اند؟ بیضایی جلای وطن کرده، تقوایی دیگر فیلم نمی‌سازد و… گروهی محدود در سینما حضور دارند

^[2] پولاد امین | چرا یک نسلی از سینماگران ما خانه‌نشین شده‌اند؟ بیضایی جلای وطن کرده، تقوایی دیگر فیلم نمی‌سازد و… گروهی محدود در سینما حضور دارند